

Types of Interpretive Narrations of Surah Yunus about Imam Ali (AS)

**Mohammad Hadi Ghahari
Kermani** *

Assistant Professor of the Department of
Islamic Education, Shahid Bahonar
University of Kerman, Kerman, Iran.

Abstract



One of the teachings of the Ahl al-Bayt (AS) in expressing the teachings of the Holy Quran is to open a new window in harmony with time called interpretation. The verses of the Qur'an, in addition to what is used from their appearance, have interpretations and the best way to achieve the interpretation of the Qur'an is through the Ahl al-Bayt (AS). Because according to the hadith of Saqaleen, the Ahl al-Bayt (AS) is considered the just of the Qur'an. In many interpretive narrations of Ahl al-Bayt (AS), the verses of the Qur'an have been interpreted. This research seeks to find the answer to the question that what kind of interpretations have been made towards Imam Ali (AS) in the interpretive narrations of Surah Yunus? In this regard, interpretive narrations related to Imam Ali (AS) were extracted from the interpretive narrations of Surah Yunus, and by descriptive-analytical method, it was determined that there are four types of interpretations in these narrations about that Imam (AS), which are: esoteric meaning of the verse, the esoteric instance of the verse, the instance of the verse over time (Jerry and adaptation) and the atomic instance of the verse. Also, the other two types of interpretation of the Qur'an, ie the realization of the contents of the verse and the meaning of similar verses in the mentioned narrations, were not observed.

Keywords: Interpretive Narration, Interpretive Narration, Types Of Interpretation, Imam Ali (AS), Surah Yunus

* Corresponding Author: ghahari@uk.ac.ir

How to Cite: Ghahari Kermani, M A. (2020). Types of Interpretive Narrations of Surah Yunus about Imam Ali (AS), *Quarterly Journal of Seraje Monir*, 11(40), 133-165.

انواع روایات تأویلی سوره یونس درباره امام علی (ع)

محمدهادی قهاری کرمانی *   استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران.

چکیده

یکی از آموزه‌های اهل‌بیت (ع) در بیان معارف قرآن کریم، گشودن دریچه‌ای نو و هماهنگ با زمان به نام تأویل است. آیات قرآن افزون بر آنچه از ظاهر آن‌ها استفاده می‌شود، دارای تأویل‌اند و بهترین راه دست‌یافتن به تأویل قرآن از طریق اهل‌بیت (ع) می‌باشد؛ زیرا طبق حدیث ثقلین، اهل‌بیت (ع) به‌عنوان عدل قرآن به‌شمار می‌روند. در بسیاری از روایات تفسیری اهل‌بیت (ع) به تأویل آیات قرآن پرداخته شده است. این پژوهش در پی یافتن پاسخ به این سؤال است که در روایات تفسیری سوره یونس چه نوع تأویلاتی نسبت به امام علی (ع) صورت پذیرفته است؟ در این راستا، روایات تأویلی مرتبط با امام علی (ع) از بین روایات تفسیری سوره یونس استخراج گردید و با روش توصیفی-تحلیلی مشخص شد که چهار نوع تأویل در این روایات درباره آن حضرت (ع) وجود دارد که عبارت‌اند از: معنای باطنی آیه، مصداق باطنی آیه، مصداق آیه در گذر زمان (جری و تطبیق) و مصداق اتمّ اطلاق آیه. همچنین دو نوع دیگر تأویل قرآن یعنی تحقق مفاد آیه و معنای آیه متشابه در روایات یادشده، مشاهده نشد.

کلیدواژه‌ها: روایت تفسیری، روایت تأویلی، انواع تأویل، امام علی (ع)، سوره یونس.

مقدمه

ژرفای نهایت‌ناپذیر قرآن، یکی از مهم‌ترین رموز ماندگاری قرآن در بستر طولانی زمان است. این ویژگی سبب می‌شود مجموعه‌ای به‌ظاهر محدود از ظرفیتی نامحدود برخوردار گردد و آنچه به‌ظاهر ثابت می‌نماید، از پویایی درونی و همیشگی برخوردار باشد. ظرفیت نامحدود قرآن در صورتی که به فعلیت برسد و متناسب با نیازهای زمان تفسیر گردد، بازندگی و نیازهای مؤمنان ارتباط برقرار می‌کند و به حاجات آنان در عرصه‌های گوناگون پاسخی شایسته می‌دهد. برخورداری قرآن از تأویل، به این معناست که این کلام الهی علاوه بر آنچه با ظاهرش عرضه می‌کند، مفاهیم و معارف دیگری را نیز در خود دارد که از طریق روایات اهل‌بیت(ع) به‌عنوان بهترین راه، می‌توان آن‌ها را استخراج نمود؛ زیرا طبق حدیث ثقلین، اهل‌بیت(ع)، عدل قرآن به‌شمار می‌روند.

روایات تفسیری همگی از یک‌سنگ نیستند، بلکه می‌توان آن‌ها را به روایات تفسیری و روایات تأویلی تقسیم کرد. در بسیاری از روایات تفسیری، آیات قرآن بر امام علی(ع) تأویل شده است؛ اما از آنجا که تاکنون روایات تأویلی مرتبط با امیرمؤمنان(ع) از روایات تفسیری جداسازی نشده و نوع تأویل آن‌ها نیز مشخص نگردیده است، لذا انجام پژوهش حاضر اهمیت و ضرورت می‌یابد تا این مهم در سوره یونس به‌منصه ظهور رسد تا الگویی برای این تحقیق در سایر سوره‌ها فراهم گردد.

سؤال اصلی این مقاله آن است که در روایات تفسیری سوره یونس چه نوع تأویلاتی در مورد امام علی(ع) صورت پذیرفته است؟ در بین روایات تفسیری سوره یونس، روایاتی وجود دارد که به تأویل آیات بر امام علی(ع) پرداخته‌اند، در این پژوهش برآنیم تا آن روایات را استخراج و دسته‌بندی نموده و بر اساس آن، انواع تأویل آیات سوره یونس بر امام علی(ع) را کشف نماییم.

به‌عنوان پیشینه این تحقیق می‌توان از کتاب «روش‌های تأویل قرآن» محمدکاظم شاکر و رساله «تأویل در روایت‌های تفسیری» محمد مرادی نام برد که در آن‌ها به انواع تأویل در روایات پرداخته شده است؛ اما درباره انواع روایات تأویلی مرتبط با امام علی(ع)

پژوهشی یافت نشد.

۱- تأویل در لغت

در کتب لغت چهارمعنا برای تأویل مطرح شده که عبارت‌اند از: الف- مرجع و عاقبت امر؛ (ر.ک: فراهیدی، ۱۴۱۴: ج ۱، ص ۱۲۰؛ ازهری، بی‌تا: ج ۱۵، ص ۴۵۸؛ ابن فارس، ۱۴۱۰: ج ۱، ص ۱۵۸؛ جوهری، ۱۴۲۸: ج ۲، ص ۱۲۲۶؛ ابن منظور، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۲۶۴؛ راغب اصفهانی، ۱۴۰۴: ص ۳۱) ب- سیاست و تدبیر کردن؛ (ر.ک: ازهری، بی‌تا: ج ۱۵، ص ۴۵۸) ج- تفسیر کردن؛ (ر.ک: فراهیدی، ۱۴۱۴: ج ۱، ص ۱۲۰؛ ازهری، بی‌تا: ج ۱۵، ص ۴۵۸) د- برگرداندن معنای ظاهر لفظ به معنای غیرظاهر؛ (ابن اثیر، ۱۳۶۷: ج ۱، ص ۸۰)

در کتب لغت یادشده، تأویل در اکثر موارد به معنای وصفی (مرجع و عاقبت امر) و گاهی به معنای مصدری (رجوع و ارجاع دادن) به کار رفته است؛ از آنجاکه استعمال تأویل به معنای وصفی شیوع بیشتری دارد، لذا این معنا به عنوان معنای یکم مطرح گردید. همچنین معنای یکم، سوم و چهارم در مورد «تأویل کلام» کاربرد دارند؛ اما معنای دوم به «تأویل کلام» ارتباطی ندارد.

نکته دیگر آن که معنای دوم، سوم و چهارم را می‌توان به معنای یکم برگرداند. توضیح آن که درباره معنای دوم می‌توان گفت کسی که تدبیر و سیاست می‌کند پشت قضایا و عاقبت امور را می‌بیند و قضایا را بر اساس نتیجه و سرانجام آن‌ها پیش می‌برد. در مورد معنای سوم یعنی تفسیر کردن، خلیل‌بن‌احمد آن را به تفسیر سخنی که معانی مختلفی دارد و فهم معنای صحیح آن نیازمند بیان و توضیح دیگری می‌باشد، تعریف کرده است. (ر.ک: فراهیدی، ۱۴۱۴: ج ۱، ص ۱۲۰) به دیگر سخن، تأویل گر با ملاحظه وجوه متعدد معنایی، وجه درست را که همان معنای ظاهری نهایی است انتخاب نموده و به لفظ نسبت می‌دهد؛ بنابراین تأویل به معنای سوم به نوع خاصی از تفسیر اطلاق می‌گردد، چنانکه برخی لغویان گفته‌اند: «تأویل عبارت از تفسیر و بیان عاقبت و سرانجام یک امر است.» (جوهری، ۱۴۲۸: ج ۲، ص ۱۲۲۶) تأویل به معنای چهارم نیز ممکن است به معنای یکم برگردد با این بیان که معنای غیرظاهر کلام همان معنای باطنی، عمیق و غایت معنای کلام است.

انواع روایات تأویلی سوره یونس درباره امام علی(ع): قهاری کرمانی | ۱۳۷

به نظر می‌رسد برخی بررسی‌های لغوی متأخر و معاصر که با تکیه بر نظر ابن فارس، تأویل را از اضداد شمرده و آن را هم به معنای ابتدای امر و هم به معنای انتهای امر دانسته است؛ (ر.ک: فیروزآبادی، بی تا: ج ۱، ص ۷۹؛ شاکر، ۱۳۸۲: ص ۱۹) قابل ملاحظه باشد؛ زیرا ابن فارس در هیئت فعلی ماده «أول» که تأویل، ناظر به آن است، از معنای ابتدای امر، سخنی به میان نیاورده است؛ بلکه وی برای ماده «أول» دو اصل و ریشه معنایی متفاوت معرفی می‌کند که اصل یکم به معنای ابتدای امر است که در واژه «أول» مشاهده می‌شود؛ و اصل دوم به معنای انتهای امر است که آن را در صورت‌های متعددی از این ماده از جمله در واژه «تأویل» مورد توجه قرار داده است. (ر.ک: ابن فارس، ۱۴۱۰: ج ۱، ص ۱۵۸) از این رو ضرورتی ندارد معنای ابتدای امر را در باب تأویل کلام جستجو نموده و تأویل کلام به معنای انگیزه و قصد اولیه گوینده دانسته شود. (ر.ک: اسعدی، ۱۳۹۰: ص ۱۵۳)

نتیجه آن که معنای اصلی تأویل، عاقبت و سرانجام یک امر است و «تأویل کلام» همان مقصود اصلی و نهایی کلام خواهد بود.

۲- تأویل قرآن در اصطلاح آیات و روایات (انواع روایات تأویلی)

ماهیت تأویل قرآن در آیات و روایات تعریف نشده است؛ لذا بهترین راه برای معناشناسی تأویل قرآن رجوع به آیات و روایات است تا بر اساس کاربردهای قرآنی و روایی این اصطلاح، ماهیت تأویل قرآن کشف شده و تعریفی جامع برای آن ارائه گردد. از این رو، ابتدا کاربردهای تأویل قرآن در آیات و روایات بررسی و دسته‌بندی شده و سپس ماهیت تأویل قرآن مشخص خواهد است.

لفظ تأویل، در ضمن هفت سوره از قرآن هفده بار استعمال شده است. (ر.ک: یوسف: ۶، ۲۱، ۳۶، ۳۷، ۴۴، ۴۵، ۱۰۰، ۱۰۱؛ کهف: ۷۸ و ۸۲؛ یونس: ۵۹؛ و اسراء: ۳۵؛ اعراف: ۵۳؛ یونس: ۳۹؛ آل عمران: ۷) از هفده مورد یادشده، پنج مورد آن در مورد قرآن به کاررفته است که دو بار به اتفاق مفسرین به معنای «مقصود از آیات متشابه» (ر.ک: آل عمران: ۷) و سه بار به حسب ظاهر و به نظر مشهور به معنای «تحقق عینی وعد و وعیدهای قرآن در آخرت» (ر.ک: اعراف: ۵۳؛ یونس: ۳۹) می‌باشد. در روایات، کلمه تأویل در

مورد قرآن در هشت معنا استعمال شده است که عبارت‌اند از: معنای ظاهری آیه، مصداق ظاهری آیه، معنای باطنی آیه، مصداق باطنی آیه، مصداق آیه درگذر زمان (جری و تطبیق)، مصداق عموم یا اطلاق آیه، تحقق مفاد آیه و معنای آیه متشابه. اینک هریک از معانی مذکور را با شواهدی از آیات و روایات مطرح می‌کنیم:

۲-۱- معنای ظاهری آیه

مراد از معنای ظاهری آیه، معنایی است که آیه، ظهور در آن معنا داشته باشد. در برخی از احادیث، تأویل به معنی «معنای ظاهری آیات» استعمال شده است. بر اساس روایت نعمانی، امام صادق(ع) از قول امیرالمؤمنین(ع) در تبیین مراد از «هَلْ تَعْلَمُ لَهُ سَمِيًّا» (مریم: ۶۵) می‌فرماید: «تأویله این است که آیا احدی غیر از خدای تعالی می‌شناسی که اسمش الله باشد.» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۹۰، ص ۱۳۶) در همین روایت امیرالمؤمنین(ع) راجع به آیه: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ» (مائده: ۶) می‌فرماید: «این آیه از آیات محکمی است که تأویل آن در تنزیلش می‌باشد؛ یعنی در بیان تأویل آن، به چیزی بیش از تنزیل و ظاهر آیه نیازمند نیستیم.» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۹۰، ص ۱۲)

در این حدیث معنای ظاهری آیه، تأویل نامیده شده است. تا آنجا که نگارنده جستجو نمود غیر از همین دومورد کاربرد در روایت نعمانی، در روایت دیگری تأویل قرآن به این معنا استعمال نشده است.

۲-۲- مصداق ظاهری آیه

مراد از مصداق ظاهری آیات، تطبیقات خارجی آیات به لحاظ معنای ظاهری آیه در بستر نزول می‌باشد. در ادامه به این روایات اشاره می‌کنیم.

یک: از امام باقر(ع) روایت شده است که فرمود: «خداوند آیه: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» (احزاب: ۳۳) را در کتابش نازل کرد و تأویل آن علی، حسن، حسین و فاطمه هستند.» (عیاشی، ۱۳۸۰: ج ۱، ص ۲۵۰)

انواع روایات تأویلی سوره یونس درباره امام علی(ع): فهاری کرمانی | ۱۳۹

چنان که ملاحظه می‌شود، در این حدیث، مصادیق عینی مفاد آیه تطهیر در بستر نزول، تأویل آن شمرده شده است.

دو: از امام کاظم(ع) درباره آیه مباحله (آل عمران: ۶۱) روایت شده که فرمود: «تأویل «أَبْنَاءَنَا» حسن و حسین و تأویل «نساءنا» فاطمه و تأویل «أَنْفُسَنَا» علی بن ابی طالب است.» (بحرانی، ۱۴۱۵: ج ۲، ص ۷۱۵)

در این حدیث نیز مصادیق خارجی «أَبْنَاءَنَا»، «نساءنا» و «أَنْفُسَنَا» در بستر نزول، تأویل آن‌ها شمرده شده است. در تبعی که نگارنده داشت به جز دوروایت مذکور در روایت دیگری تأویل قرآن به معنای مصداق ظاهری به کار نرفته است.

۲-۳- معنای باطنی آیه

از روایات فراوانی استفاده می‌شود که آیات قرآن علاوه بر معنای ظاهری از معانی عمیق باطنی برخوردار است که همگان را یارای فهم آن نمی‌باشد و علم آن ویژه «راسخان در علم» است. اصل وجود باطن برای قرآن، مورد اتفاق خاصه و عامه است و روایات فراوانی که به تواتر معنوی رسیده بر آن دلالت دارد. (ر.ک: شاکر، ۱۳۷۶: ص ۸۷-۹۱)

در برخی از روایات ضمن پذیرفته شدن این که قرآن دارای بطون است، بطن آن «تأویل» نامیده شده است. فضیل بن یسار از امام باقر(ع) سؤال می‌کند که مقصود از ظهر و بطن قرآن چیست؟ حضرت فرمود: «ظهر قرآن، تنزیل آن و بطن قرآن، تأویل آن می‌باشد؛ بخشی از تأویل قرآن، محقق شده و بخش دیگر آن، هنوز محقق نشده است؛ قرآن مانند خورشید و ماه جریان دارد.» (عیاشی، ۱۳۸۰: ج ۱، ص ۱۱)

همچنین در برخی روایات تصریح شده است که معنای باطنی آیه، تأویل آیه محسوب می‌گردد. مثلاً علی بن جعفر گوید: از برادر امام کاظم(ع) درباره تأویل آیه: «قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ» (ملک: ۳۰) سؤال نمودم؛ آن حضرت فرمود: «آنگاه که امامتان را از دست دهید و او را مشاهده نکنید، چه می‌کنید؟» (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۳۶۰) چنان که مشاهده می‌شود، در این حدیث، از تأویل آیه سؤال شده و امام(ع) به بیان معنای باطنی آیه پرداخته که نشان‌دهنده این است که از دیدگاه ائمه(ع)،

معنای باطنی آیه به‌عنوان تأویل آیه به‌شمار می‌رود. مفاد ظاهری آیه مزبور به اهمیت نعمت آب در حیات مادی اشاره دارد، ولی در معنای باطنی، به نعمت حضور امام که مایه حیات معنوی بشر است، اشاره شده است.

۲-۴- مصداق باطنی آیه

مراد از مصداق باطنی آیات، امور خارجی و واقعیات عینی به‌لحاظ معنای باطنی آیات است. به‌عنوان نمونه، فضیل بن یسار گوید: از امام باقر(ع) درباره آیه: «وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا» (مائده: ۳۲) پرسیدم. حضرت فرمود: «یعنی هر کس شخصی را از سوختن یا غرق شدن نجات دهد. گفتم: پس آن که از گمراهی کسی را هدایت کند چه؟ فرمود: این تأویل اعظم آیه است.» (برقی، ۱۳۷۱: ج ۱، ص ۲۳۲) در این روایت، شخصی که شخص دیگر را هدایت کند، به‌عنوان تأویل اعظم «مَنْ أَحْيَاهَا» مطرح شده است. روشن است که این شخص، مصداق باطنی آیه است و در این روایت تصریح شده که این معنا، تأویل اعظم آیه است.

۲-۵- مصداق آیه در گذر زمان (جری و تطبیق)

در برخی از احادیث به‌مصادیق زمان نزول که آیات، ناظر به آن‌ها بوده، ظهر و تنزیل گفته‌شده و به‌مصادیق مشابه آن‌ها که مفاهیم کلی آیات با صرف نظر از مورد نزول، در همه زمان‌ها بر آن قابل انطباق می‌باشد، بطن و تأویل گفته‌شده است. امام باقر(ع) می‌فرماید: «ظاهر قرآن همان مصداق‌ها (اسباب و شأن نزول‌ها) و مواردی است که آیات درباره آن‌ها نازل شده است و باطن قرآن مصداق‌ها و اشخاصی هستند که [در آینده می‌آیند و] مانند گذشتگان [که آیات درباره آن‌ها نازل شده است] عمل می‌کنند.» (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۱) یعنی آنچه درباره آنان نازل شده، نسبت به‌اینان نیز صدق می‌کند. گرچه در این حدیث، سخنی از تأویل قرآن به‌میان نیامده است، اما در جای دیگر، امام باقر(ع) می‌فرماید: «ظاهر قرآن، تنزیل آن و باطن قرآن، تأویل آن می‌باشد، بخشی از تأویل آن گذشته است و بخشی هنوز تحقق نیافته، قرآن بسان خورشید و ماه، در حرکت است.»

انواع روایات تأویلی سوره یونس درباره امام علی(ع)؛ فهاری کرمانی | ۱۴۱

(عیاشی، ۱۳۸۰: ج ۱، ص ۱۱) همچنین از امام صادق(ع) روایت شده که فرمود: «قرآن تأویلی دارد که بخشی از آن تحقق یافته و بخشی از آن محقق نشده است؛ هنگامی که تأویل آن در زمان یکی از امامان تحقق یابد، امام آن عصر آن را می شناسد.» (صفار، ۱۴۰۴: ص ۱۹۵) نیز از پیامبر(ص) نقل شده است که: «در میان شما کسی است که بر تأویل قرآن قتال می کند چنان که من بر تنزیل آن قتال کردم و او علی بن ابی طالب است.» (عیاشی، ۱۳۸۰: ج ۱، ص ۱۵)

در این روایات، تأویل قرآن به مصادیقی توصیف شده که فراتر از سبب و شأن نزول آیات می باشند و بعضی از آنها تا زمان امام باقر(ع) و امام صادق(ع) روی داده و بعضی از آنها پس از ایشان واقع خواهند شد. به دیگر سخن، لفظ تأویل در مورد «مصدق آیه در گذر زمان» استعمال شده است. این همان قاعده «جری و تطبیق» است که در روایات یاد شده به آن اشاره شده است. بدین معنا که قرآن مانند خورشید و ماه جریان دارد و بر مصادیق جدید تطبیق می یابد. این نوع احادیث بر فرازمانی بودن، پویایی و تازگی قرآن برای هر عصر و نسل، تأکید می کند. در اینجا روایتی را که در متن آنها به تأویل بودن مصداق آیه در گذر زمان تصریح شده است، نقل می کنیم.

امام صادق(ع) درباره آیه: «وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ» (حجرات: ۹) می فرماید: «تأویل این آیه در حادثه بصره تحقق یافت و آنان اهل این آیه بودند که بر امیرالمؤمنین(ع) شوریدند، پس بر آن حضرت لازم بود که با آنان بجنگد تا به امر الهی گردن نهند.» (کلینی، ۱۴۲۹: ج ۱۵، ص ۴۲۹) در این حدیث، عبارت «فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى» بر اصحاب جمل و عبارت «فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ» بر امام علی(ع) و یارانش تأویل شده است که به عنوان یکی از مصادیق آیه در گذر زمان (جری و تطبیق) به شمار می روند.

۲-۶- مصداق اتمّ اطلاق یا عموم آیه

در بسیاری از آیات واژه ها یا عباراتی به صورت عام یا مطلق آمده است که بر مصادیق

متعددی تطبیق می‌کنند. در روایات تفسیری متعددی که در ذیل این گونه از آیات نقل شده است به بیان مصداق عموم یا اطلاق آیه پرداخته شده است. همچنین گاهی اوقات از برخی مصادیق عموم یا اطلاق آیه، تحت عنوان مصداق اتم و اکمل نام برده شده است. در برخی از این روایات ضمن بیان این نوع از مصادیق آیات، تصریح شده است که این مصادیق در زمره تأویل آیه به‌شمار می‌آیند؛ مثلاً از امام صادق (ع) درباره آیه: «وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ» (رعد: ۲۱) روایت شده که فرمود: «از جمله پیوندهای موردنظر آیه، صلهرحم است و تأویل نهایی و اتم آن، پیوند تو با ما است.» (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۲ ص ۲۰۸) روشن است که عبارت «ما أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ» در آیه یادشده، مطلق بوده و در این روایت از پیوند با ائمه (ع) که مصداق اتم اطلاق آیه می‌باشد، به‌عنوان تأویل نهایی آن یادشده است.

۲-۷- تحقیق مفاد آیه

در برخی از آیات و روایات تحقق عینی وعده‌ها و پیش‌گویی‌های قرآن به‌عنوان تأویل آن‌ها نامیده شده است. به‌دیگر سخن، به‌مصادیق این خبرهای غیبی و پیش‌گویی‌ها که در آینده تحقق می‌یابند، اطلاق تأویل قرآن شده است.

در آیات زیر، کلمه تأویل به‌حسب نظر مشهور، در مورد قرآن به‌کاررفته و ظاهراً مراد از آن همان مصداق عینی وعد و وعیدهای قرآن و اخبارهای آن از آخرت است:

الف- «هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا تَأْوِيلَهُ يَوْمَ يَأْتِي تَأْوِيلَهُ يَقُولُ الَّذِينَ نَسُوهُ مِنْ قَبْلُ قَدْ جَاءَتْ رُسُلٌ رَبَّنَا بِالْحَقِّ» (اعراف: ۵۳)

اظهار آن است که مراد از تأویل قرآن در این آیه، همان مصداق خارجی و تجسم عینی خبرها و وعد و وعیدهایی است که قرآن در زمینه آخرت بیان داشته و ماهیت آن‌ها در این جهان برای انسان پنهان است. (ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۴، ص ۶۵۷)

ب- «بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِيطُوا بِعَلْمِهِ وَ لَمَّا يَأْتِهِمْ تَأْوِيلُهُ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ» (یونس: ۳۹)

در این آیه ظاهراً ضمیر «تأویله» به «مالم یحیطوا» برمی‌گردد. به نظر می‌رسد با توجه به «لما یأتهم تأویله» اظهار در تفسیر «مالم یحیطوا» همان تفسیر به وعد و وعیدها و اخبار

انواع روایات تأویلی سوره یونس درباره امام علی(ع): فهارس کرمانی | ۱۴۳

قرآن از آخرت، بهشت و جهنم است. (ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۵، ص ۱۶۷)
در نتیجه، معنای تأویل در این آیه نیز همان معنایی است که در آیه گذشته بیان شد؛ یعنی مراد از آن، مصداق خارجی و حقیقت عینی وعد و وعیدهای قرآن و اخبارهای غیبی آن نسبت به عالم آخرت است؛ زیرا «اتیان تأویل» مناسب با چنین معنایی است.
در برخی از روایات نیز تحقق عینی وعده‌ها و پیش‌گویی‌های قرآن تأویل آن آیات نامیده شده است. از جمله: امام صادق(ع) درباره آیه: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينَ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» (توبه: ۳۳) فرمود: «به‌خدا سوگند! تأویل این آیه محقق نخواهد شد تا زمانی که قائم(ع) ظهور کند.» (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۶۷۰)

آیه ۳۳ توبه از چیرگی و غلبه دین حق بر همه ادیان باطل خبر می‌دهد و امام صادق(ع) فرموده که این پیشگویی قرآن هنگام ظهور امام زمان(ع) تحقق خواهد یافت.

۲-۸- معنای آیه متشابه

معانی هفت‌گانه گذشته، ناظر به همه آیات قرآن اعم از محکم و متشابه بود، اما معنای هشتم تأویل قرآن به آیات متشابه اختصاص دارد. آیات متشابه آیتی است که ظهور در معنای شبه‌انگیز دارند. به‌دیگر سخن، تشابه در آیات متشابه، تشابه حق و باطل است به‌گونه‌ای که سخن حق‌گونه خداوند، باطل‌گونه جلوه‌گر می‌شود. (ر.ک: معرفت، ۱۳۸۸: ۲۳۶) به‌همین دلیل است که آیات متشابه نیاز به تأویل دارند تا معنای اصلی آن‌ها که فراتر از معنای ظاهری است، آشکار گردد.

در آیه «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَ أُخْرُ مُتَشَابِهَاتٌ» (آل عمران: ۷) بر معنای اصلی آیه متشابه، اطلاق تأویل شده است.

همچنین در برخی از روایات نیز معنای اصلی آیه متشابه، تأویل نامیده شده است، مانند این روایت که از امام علی(ع) نقل شده که فرمود: «قول ابراهیم(ع) که فرمود: «إِنِّي ذَاهِبٌ إِلَى رَبِّي» (صافات: ۹۹) آن است که ایشان به عبادت خداوند و تلاش در راه او توجه کرد؛ آیا نمی‌بینی که تأویلش غیر از تنزیلش می‌باشد؟» (صدوق، ۱۳۹۸: ص ۲۶۶)

روشن است که آیه ۹۹ صافات، ظهور در معنای شبهه‌انگیز داشته و متشابه است که امیرمؤمنان(ع) بر معنای اصلی آن اطلاق تأویل نموده است.

از مجموع آیات و روایاتی که در زمینه معنای «تأویل قرآن» نقل شد چنین برداشت می‌شود که «تأویل قرآن» در لسان آیات و روایات دارای هشت معنا می‌باشد. البته می‌توان این معانی هشت‌گانه را در دو معنای عام و خاص برای تأویل قرآن خلاصه نمود. «تأویل قرآن» به معنای عام همه معانی هشت‌گانه را در بر گرفته است؛ اما «تأویل قرآن» به معنای خاص فقط شامل معنای سوم تا هشتم می‌باشد. دلیل این تقسیم آن است که با مرور آیات و روایاتی که مطرح شد مشاهده می‌شود که تمامی آیات و اکثر روایات، ناظر به معنای تأویل قرآن به معنای سوم تا هشتم است.

مراد از تأویل قرآن در این مقاله، تأویل به معنای خاص است؛ بنابراین ما درصدد بیان روایات تأویلی مرتبط با امیرمؤمنان(ع) در سوره یونس هستیم که مشتمل بر یکی از معانی سوم تا هشتم باشند.

نکته دیگر آن که دو معنای اول تأویل قرآن یعنی معنا و مصداق ظاهری آیه در حوزه تفسیر قرآن قرار می‌گیرد؛ اما طبق آنچه در بررسی معنای لغوی تأویل گذشت که لغت‌شناسان یکی از معانی تأویل را تفسیر کردن دانستند؛ لذا تأویل قرآن به معنای عام شامل تفسیر نیز می‌شود؛ از این رو در روایات، به این دو معنا نیز اطلاق تأویل شده است؛ بنابراین تأویل قرآن به معنای عام، اعم از تفسیر است و نسبت آن با تفسیر، عموم و خصوص مطلق است؛ ولی تأویل قرآن به معنای خاص نسبتش با تفسیر، تباین است.

۳- انواع روایات تأویلی سوره یونس درباره امام علی(ع)

قبل از آن که به نقل و بررسی روایات تأویلی سوره یونس درباره امام علی(ع) بپردازیم، تذکر چند نکته ضروری است:

یک: از بین روایاتی که مشابه یکدیگر بودند، فقط یکی از آنها، آن‌هم از کهن‌ترین منبع نقل شده است.

دو: اگر بخشی از روایت، مربوط به تفسیر آیه و بخش دیگر، مربوط به تأویل آیه

انواع روایات تأویلی سوره یونس درباره امام علی(ع)؛ فهاری کرمانی | ۱۴۵

بوده، روایت تقطیع شده و فقط بخش تأویلی آن نقل شده است.

سه: به جهت اختصار، سند روایات حذف شده است.

چهار: از آنجا که اعتبار سند روایات و کتب روایی متفاوت است، لذا روایات از نظر قوّت و ضعف در یک سطح نیستند. بدیهی است که بررسی قوّت و ضعف روایات، پژوهش دیگری را می‌طلبد.

پنج: از نقل روایاتی که نتیجه‌ای جز اختلاف بین مذاهب اسلامی ندارد، پرهیز شده است.

همان‌طور که گفتیم در بین روایات تفسیری سوره یونس، روایاتی وجود دارد که آیات این سوره را بر امام علی(ع) تأویل کرده‌اند. این تأویلات به انواع مختلفی تقسیم می‌شوند که در ادامه، آن‌ها را ذکر می‌کنیم.

۳-۱- معنای باطنی آیه

در روایات تفسیری سوره یونس روایاتی مشاهده شد که معنای باطنی آیه را بر امام علی(ع) تأویل نموده که در ادامه به نقل آن‌ها می‌پردازیم.

یک: از امام صادق(ع) درباره آیه: «بَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا أَنَّ لَهُمْ قَدَمَ صِدْقٍ عِنْدَ رَبِّهِمْ» (یونس: ۲) روایت شده که فرمود: «وَلَايَةُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (ع): «مقصود [از قدم صدق]، ولایت امیرالمؤمنین(ع) است.» (کلینی، ۱۴۲۹: ج ۲، ص ۳۸۹)

در اینکه منظور از قدم صدق چیست؟ در میان مفسران بحث است؛ اما روی هم رفته یکی از سه تفسیر یا هر سه با هم برای آن قابل قبول است. نخست این که اشاره به آن است که ایمان، «سابقه فطری» دارد و در حقیقت مؤمنان با ابراز ایمان، مقتضای فطرت خود را تصدیق و تأکید کرده‌اند؛ زیرا یکی از معانی قدم، سابقه است؛ چنان که می‌گویند: لفلان قدم فی الاسلام او قدم فی الحرب؛ یعنی فلان کس در اسلام یا در جنگ و مبارزه، سابقه دارد. دوم این که اشاره به مسئله معاد و نعمت‌های آخرت باشد؛ زیرا یکی از معانی قدم، مقام و منزلت است، به تناسب این که انسان با پای خود به منزلگاهش وارد می‌شود؛ یعنی برای افراد با ایمان مقام و منزلت ثابت و مسلمی در پیشگاه خدا است که هیچ چیز نمی‌تواند

آن را تغییر دهد و دگرگون سازد. سوم این که قدم به معنی پیشوا و رهبر است، یعنی برای مؤمنان پیشوا و رهبری صادق فرستاده شده است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ج ۸، ص ۲۱۶) با عنایت به آنچه در تفسیر عبارت «قَدَمَ صِدْقٍ» مطرح شد، معنای ذکر شده در روایت فوق از معانی باطنی آیه به شمار می‌رود.

ذیل آیه: «أَنْتَ بِقُرْآنٍ غَيْرِ هَذَا أَوْ بَدَّلَهُ» (یونس: ۱۵) سه روایت، نقل شده که معنای باطنی آیه را بر امام علی (ع) تأویل نموده‌اند؛ زیرا عبارت «بَدَّلَهُ» در آیه مذکور، ظهور در تغییر قرآن دارد؛ اما در این سه روایت بر تغییر جانشین پیامبر (ص) تأویل شده است؛ لذا تأویل در این روایات از نوع بیان معنای باطنی آیه به شمار می‌رود. در ادامه طی شماره‌های دو تا چهار به نقل این روایات می‌پردازیم.

دو: از امام صادق (ع) روایت شده که فرمود: «قَالُوا أَوْ بَدَّلَ عَلِيًّا (ع): گفتند [یا قرآن دیگری بیاور] یا آنکه علی (ع) را [از جانشینی خود] تغییر بده.» (کلینی، ۱۴۲۹: ج ۲، ص ۳۸۲)

سه: از امام صادق (ع) روایت شده که فرمود: «أَنْتَ بِقُرْآنٍ غَيْرِ هَذَا أَوْ بَدَّلَهُ يَعْنِي أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ (ع) قُلْ مَا يَكُونُ لِي أَنْ أُبَدِّلَهُ مِنْ تَلْقَاءِ نَفْسِي إِنْ أَتَّبَعُ إِلَّا مَا يُوحَى إِلَيَّ يَعْنِي فِي عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (ع): قرآنی غیر از این بیاور، یا آن را تغییر ده؛ یعنی امیر مؤمنان علی بن ابی طالب (ع) [که مخالفان، درخواست تغییر منصب جانشینی او را داشتند] بگو: برای من روا نیست که از پیش خود آن را تغییر دهم؛ فقط از چیزی که بر من وحی می‌شود، پیروی می‌کنم؛ یعنی درباره علی بن ابی طالب امیر مؤمنان (ع) [انتصاب او به جانشینی از جانب من نبوده است.]» (قمی، ۱۳۶۳: ج ۱، ص ۳۰۹)

چهار: از امام باقر (ع) روایت شده که فرمود: «ذَلِكَ قَوْلُ أَعْدَاءِ اللَّهِ لِرَسُولِ اللَّهِ (ص) مِنْ خَلْفِهِ وَهُمْ يَرَوْنَ أَنَّ اللَّهَ لَا يَسْمَعُ قَوْلَهُمْ لَوْ أَنَّهُ جَعَلَ إِمَامًا غَيْرَ عَلِيٍّ (ع) أَوْ بَدَّلَهُ مَكَانَهُ فَقَالَ اللَّهُ رَدًّا عَلَيْهِمْ قَوْلَهُمْ قُلْ مَا يَكُونُ لِي أَنْ أُبَدِّلَهُ مِنْ تَلْقَاءِ نَفْسِي يَعْنِي أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (ع) إِنْ أَتَّبَعُ إِلَّا مَا يُوحَى إِلَيَّ مِنْ رَبِّي فِي عَلِيٍّ (ع) فَذَلِكَ قَوْلُهُ أَنْتَ بِقُرْآنٍ غَيْرِ هَذَا أَوْ بَدَّلَهُ: این کلام دشمنان خداوند به رسول خدا (ص) در مورد جانشین ایشان است که [می‌گفتند]: ای کاش

انواع روایات تأویلی سوره یونس درباره امام علی(ع)؛ فهارسی کرمانی | ۱۴۷

پیامبر(ص) امامی غیر از علی(ع) معرفی می‌کرد یا دیگری را جای او قرار می‌داد؛ درحالی که می‌دانستند خداوند سخن آنان را قبول نمی‌کند. خدا نیز در ردّ سخنان آنان فرمود: بگو: برای من روا نیست که از پیش خود امیرالمؤمنین(ع) را تغییر دهم؛ فقط از چیزی که بر من در مورد علی(ع) وحی می‌شود، پیروی می‌کنم؛ این همان مراد آیه: اَنْتَ بِقُرْآنٍ غَیْرِ هَذَا اَوْ بَدَلْتَهُ، می‌باشد.» (کوفی، ۱۴۱۰: ص ۱۷۷)

پنج: از امام سجاد(ع) درباره آیه: «وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (یونس: ۲۵) روایت شده که فرمود: «يَعْنِي بِهِ وِلَايَةَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (ع): مقصود از صراط مستقیم، ولایت علی بن ابی طالب(ع) است.» (کوفی، ۱۴۱۰: ص ۱۷۷)

عبارت «صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» با عنایت به آیه ۶۱ سوره یس که می‌فرماید: «وَأَنْ اَعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ» به معنای پرستش و بندگی خداست؛ اما در این حدیث بر ولایت علی بن ابی طالب(ع) تأویل شده است؛ لذا تأویل در این روایت از نوع بیان معنای باطنی آیه به‌شمار می‌رود.

شش: از امام علی(ع) درباره آیه: «فَمَاذَا بَعَدَ الْحَقِّ إِلَّا الضَّلَالُ فَأَنَّى تُصْرَفُونَ» (یونس: ۳۲) روایت شده که فرمود: «فَنَحْنُ كَلِمَةٌ التَّقْوَى وَ سَبِيلُ الْهُدَى وَ الْمَثَلُ الْأَعْلَى وَ الْحُجَّةُ الْعُظْمَى وَ الْعُرْوَةُ الْوُثْقَى وَ الْحَقُّ الَّذِي أَقَرَّ اللَّهُ بِهِ فَمَاذَا بَعَدَ الْحَقِّ إِلَّا الضَّلَالُ فَأَنَّى تُصْرَفُونَ: ما کلمه تقوی، راه هدایت، برترین نمونه و اسوه، حجت بزرگ، دستگیر محکم الهی و آن حقی هستیم که خداوند در مورد آن چنین فرمود: فَمَاذَا بَعَدَ الْحَقِّ إِلَّا الضَّلَالُ فَأَنَّى تُصْرَفُونَ.» (کوفی، ۱۴۱۰: ص ۱۷۸)

واژه «الْحَقِّ» در عبارت «فَمَاذَا بَعَدَ الْحَقِّ إِلَّا الضَّلَالُ» ظهور در خداوند دارد، اما در این حدیث بر ائمه(ع) تأویل شده است؛ لذا تأویل در این روایت از نوع بیان معنای باطنی آیه به‌شمار می‌رود.

هفت: از علی بن ابراهیم قمی درباره آیه: «أَنْتُمْ إِذَا مَا وَقَعَ آمَنْتُمْ بِهِ» (یونس: ۵۱) چنین روایت شده است: «أَنْتُمْ إِذَا مَا وَقَعَ آمَنْتُمْ بِهِ: أَي صَدَقْتُمْ فِي الرَّجْعَةِ ۖ فَيَقَالُ لَهُمْ: الْآنَ تُوْمِنُونَ يَعْنِي بِامِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (ع) وَ قَدْ كُنْتُمْ بِهِ تَسْتَعْجِلُونَ: آیا پس از آن که [عذاب] واقع شد،

آن وقت، رجعت را باور می‌کنید و به آنان گفته می‌شود: آیا اکنون به امیرمؤمنان (ع) ایمان می‌آورید؟! درحالی که قبلاً برای آن عذاب عجله می‌کردید! (قمی، ۱۳۶۳: ج ۱، ص ۳۱۲)

عبارت «آمَنْتُمْ بِهِ» در آیه مورد بحث، ظهور در ایمان به خدا یا قرآن دارد؛ اما در این حدیث بر ایمان به رجعت و امیرمؤمنان (ع) تأویل شده است؛ بنابراین تأویل ذکر شده در این روایت از نوع بیان معنای باطنی آیه به شمار می‌رود.

ذیل آیه: «وَيَسْتَنْبِئُونَكَ أَحَقُّ هُوَ» (یونس: ۵۳) سه روایت، نقل شده که معنای باطنی آیه را بر امام علی (ع) تأویل نموده‌اند؛ زیرا ضمیر «هو» در این آیه، به طوری که از زمینه کلام برمی‌آید به قضاء و یا به عذاب برمی‌گردد؛ (ر.ک: طباطبائی، ۱۳۹۰: ج ۱۰، ص ۷۵) ولی در این سه روایت، به امام علی (ع) تأویل شده است؛ لذا تأویل در این روایات از نوع بیان معنای باطنی آیه به شمار می‌رود. در ادامه طی شماره‌های هشت تا ده به نقل این روایات می‌پردازیم.

هشت: از امام صادق (ع) درباره آیه: «وَيَسْتَنْبِئُونَكَ أَحَقُّ هُوَ» (یونس: ۵۳) روایت شده که فرمود: «مَا تَقُولُ فِي عَلِيٍّ قُلِّ إِي وَ رَبِّي إِنَّهُ لَحَقٌّ وَ مَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ: از تو (پیامبر ص)) می‌پرسند آیا آنچه درباره علی (ع) می‌گویی حق است؟ بگو: آری، به پروردگرم سوگند، قطعاً حق است؛ و شما نمی‌توانید [از مجازات الهی] فرار کنید.» (کلینی، ۱۴۲۹: ج ۲، ص ۴۰۹)

نه: از امام باقر (ع) درباره آیه: «وَيَسْتَنْبِئُونَكَ أَحَقُّ هُوَ قُلِّ إِي وَ رَبِّي» (یونس: ۵۳) روایت شده که فرمود: «يَسْأَلُونَكَ يَا مُحَمَّدُ! أَعْلَى (ع) وَصِيكَ قُلِّ إِي وَ رَبِّي إِنَّهُ لَوْصِيَّ: ای محمد! از تو سؤال می‌کنند آیا علی (ع) وصی تو است؟ بگو: آری، به خدا قسم! او وصی من است.» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ج ۳، ص ۶۱)

ده: از علی بن ابراهیم قمی چنین روایت شده است: «وَيَسْتَنْبِئُونَكَ يَا مُحَمَّدُ! أَهْلُ مَكَّةَ فِي عَلِيٍّ (ع) أَحَقُّ هُوَ أَيْ إِمَامٌ قُلِّ إِي وَ رَبِّي إِنَّهُ لَحَقٌّ أَيْ إِمَامٌ: ای محمد! اهل مکه در مورد علی (ع) از تو می‌پرسند که آیا او حق است؟ یعنی آیا امام است؟ بگو آری، به خدا

انواع روایات تأویلی سوره یونس درباره امام علی(ع): فهاری کرمانی | ۱۴۹

قسم! که او برحق است؛ یعنی امام است.» (قمی، ۱۳۶۳: ج ۱، ص ۳۱۳)
ذیل آیه: «قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ» (یونس: ۵۸) سه روایت، نقل شده که معنای باطنی آیه را بر امام علی(ع) تأویل نموده‌اند که در ادامه طی شماره‌های یازده تا سیزده به نقل این روایات می‌پردازیم.

یازده: از امام باقر(ع) درباره روایت شده که فرمود: «الإقْرَارُ بِنُبُوَّةِ مُحَمَّدٍ (ص) وَ الْإِثْمَامُ بِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (ع) هُوَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُ هَؤُلَاءِ فِي دُنْيَاهُمْ: اقرار به نبوت محمد(ص) و اقتدا کردن به امیرالمؤمنین(ع) از همه دارایی اینان در دنیا، بیشتر و بهتر است.» (عیاشی، ۱۳۸۰: ج ۲، ص ۱۲۴)

عبارت «فَضْلُ اللَّهِ» در آیه ۵۸ یونس، به معنای آن موعظه و شفای دل‌ها و هدایتی است که خدای تعالی به واسطه قرآن به عموم انسان‌ها تفضل کرده و عبارت «رَحْمَتِهِ» آن رحمتی است که به خصوص مؤمنین داده و آنان را به زندگی طیب رسانیده است؛ (ر.ک: طباطبائی، ۱۳۹۰: ج ۱۰، ص ۸۲) ولی در حدیث فوق، عبارات «فَضْلُ اللَّهِ» و «رَحْمَتِهِ» بر اقرار به نبوت محمد(ص) و اقتدا کردن به امیرالمؤمنین(ع) تأویل شده‌اند؛ لذا تأویل در این حدیث از نوع بیان معنای باطنی آیه محسوب می‌گردد.

دوازده: از رسول خدا(ص) روایت شده که به امام علی(ع) فرمود: «يَا أَبَا الْحَسَنِ! ... وَ الَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا بِالْحَقِّ نَبِيًّا مَا آمَنَ بِي مِنْ أَنْتُكَرِكَ وَلَا أَفْرَبِي مِنْ جَحْدِكَ وَلَا آمَنَ بِاللَّهِ مِنْ كَفَرِيكَ وَإِنْ فَضْلِكَ لِمَنْ فَضْلِي وَإِنْ فَضْلِي لَكَ لَفَضْلُ اللَّهِ وَ هُوَ قَوْلُ رَبِّي عَزَّوَجَلَّ قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ» (یونس: ۵۸): ای ابالحسن! به‌خدایی که محمد را به حق به پیامبری برانگیخت، آن کس که منکر تو باشد، به من ایمان نیاورده و آنکه با تو مخالفت کند و حق تو را نشناسد، به من اقرار نکرده و آن کس که به تو کفر ورزد [و حق تو را بیوشاند]، به من ایمان نیاورده است. فضل و دانش تو از من است و فضل من بر تو از خداوند است و خداوند این مهم را در آیه: «قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ» تأیید نموده است.» (صدوق، ۱۳۷۶: ص ۴۹۴)

عبارت «فضل الله» در حدیث فوق بر فضل رسول خدا(ص) نسبت به امام علی(ع)

تأویل شده است؛ لذا با عنایت به توضیحی که ذیل حدیث قبل مطرح شد، تأویل در این حدیث از نوع بیان معنای باطنی آیه محسوب می‌گردد.

سیزده: از ابن عباس چنین روایت شده است: «فَفَضَّلَ اللَّهُ نُبُوَّةَ نَبِيِّكُمْ وَ رَحْمَتَهُ وَ لَكَأَيَّةَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (ع) فَبَدَّلَكَ قَالَ بِالنُّبُوَّةِ وَ الْوَلَايَةِ فَلْيَفْرَحُوا يَعْنِي الشَّيْعَةَ هُوَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ يَعْنِي مُخَالَفِيهِمْ مِنَ الْأَهْلِ وَ الْأَمْوَالِ وَ الْوَالِدِ فِي دَارِ الدُّنْيَا: مراد از فضل خداوند، نبوت پیامبر شما و مراد از رحمت الهی، ولایت علی بن ابی طالب (ع) است؛ پس شیعیان باید به خاطر نبوت و ولایت، مسرور گردند؛ زیرا که این (ولایت و نبوت)، از تمام آنچه مخالفان آنها در زندگی دنیا از اهل و مال و فرزند گردآوری کرده‌اند، بهتر است.» (طبری آملی، ۱۳۸۳: ص ۱۷۹)

در حدیث فوق، عبارت «فَضَّلَ اللَّهُ» بر نبوت پیامبر (ص) و عبارت «رَحْمَتِهِ» بر ولایت امیرمؤمنان (ع) تأویل شده‌اند؛ لذا با عنایت به توضیحی که ذیل حدیث «یازده» مطرح شد، تأویل در این حدیث از نوع بیان معنای باطنی آیه محسوب می‌گردد.

چهارده: از علی بن ابراهیم قمی درباره آیه: «إِنَّ الَّذِينَ حَقَّتْ عَلَيْهِمْ كَلِمَتُ رَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ» (یونس: ۳۳) چنین روایت شده است: «الَّذِينَ جَحَدُوا امِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (ع) قَوْلُهُ إِنَّ الَّذِينَ حَقَّتْ عَلَيْهِمْ كَلِمَتُ رَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ قَالَ عَرَضَتْ عَلَيْهِمُ الْوَلَايَةُ وَ فُرِضَ عَلَيْهِمُ الْإِيمَانُ بِهَا فَلَمْ يُؤْمِنُوا بِهَا: آنانی که امیرمؤمنان (ع) را انکار کردند، یعنی ولایت بر آنان عرضه و ایمان به آن برای آنان واجب شد؛ ولی آنان به ولایت ایمان نیاوردند.» (قمی، ۱۳۶۳: ج ۱، ص ۳۱۷)

عبارت «كَلِمَتُ رَبِّكَ» در آیه مورد بحث به معنای عذاب الهی است؛ (ر.ک: طباطبائی، ۱۳۹۰: ج ۱۰، ص ۱۲۵) ولی در روایت فوق، به ولایت امام علی (ع) تأویل شده است؛ لذا تأویل در این روایت از نوع بیان معنای باطنی آیه به شمار می‌رود.

۳-۲- مصداق باطنی آیه

در روایات تفسیری سوره یونس مواردی از مصادیق باطنی وجود دارد که بر امام علی (ع) تأویل شده است که در ادامه، آنها را ذکر می‌کنیم:

انواع روایات تأویلی سوره یونس درباره امام علی(ع): فهاری کرمانی | ۱۵۱

یک: از امام باقر(ع) روایت شده که فرمود: «أَضَاءَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ مُحَمَّدٍ (ص) كَمَا تُضِيءُ الشَّمْسُ فَضْرَبَ اللَّهُ مَثَلُ مُحَمَّدٍ (ص) الشَّمْسَ وَمَثَلُ الْوَصِيِّ الْقَمَرَ وَهُوَ قَوْلُهُ عَزَّوَجَلَّ جَعَلَ الشَّمْسَ ضِيَاءً وَالْقَمَرَ نُورًا: زمین با نور محمد(ص) روشن می شود، همان طور که با نور آفتاب روشن می گردد. خداوند محمد(ص) را به خورشید و جانشین او را به ماه تشبیه کرده است و این همان گفتار خداوند تبارک و تعالی است که فرموده است: «هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسَ ضِيَاءً وَالْقَمَرَ نُورًا» (یونس: ۵)» (کلینی، ۱۴۲۹: ج ۱۵، ۸۳۲)

واژه های «الشَّمْس» و «القَمَر» در آیه ۵ یونس، ظهور در خورشید و ماه دارند، ولی در این حدیث به پیامبر(ص) و امام علی(ع) تأویل شده است؛ لذا تأویل در این روایت از نوع بیان مصداق باطنی آیه به شمار می رود.

دو: از امام باقر(ع) درباره آیه: «قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا» (یونس: ۵۸) روایت شده که فرمود: «فَضْلُ اللَّهِ النَّبِيُّ (ص) وَرَحْمَتُهُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (ع): منظور از بِفَضْلِ اللَّهِ، رسول خدا(ص) و مقصود از رَحْمَتُهُ امیرمؤمنان(ع) است.» (کوفی، ۱۴۱۰: ص ۱۷۹) عبارت «فَضْلُ اللَّهِ» در آیه ۵۸ یونس، به معنای آن موعظه و شفای دل ها و هدایتی است که خدای تعالی به واسطه قرآن به عموم انسان ها تفضل کرده و عبارت «رَحْمَتِهِ» آن رحمتی است که به خصوص مؤمنین داده و آنان را به زندگی طیب رسانیده است؛ (ر.ک: طباطبائی، ۱۳۹۰: ج ۱۰، ص ۸۲) ولی در این حدیث، عبارات «فَضْلُ اللَّهِ» و «رَحْمَتِهِ» بر رسول خدا(ص) و امیرمؤمنان(ع) تطبیق شده اند؛ لذا تأویل در این حدیث از نوع بیان مصداق باطنی آیه محسوب می گردد.

۳-۳- مصداق آیه در گذر زمان (جری و تطبیق)

ذیل آیه: «وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ وَأَخِيهِ أَنْ تَبَوَّءَا لِقَوْمِكُمَا بِمِصْرَ بَيْوتًا وَاجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ قِبْلَةً» (یونس: ۸۷) دو روایت، نقل شده که در آنها از آیه ۸۷ سوره یونس، الغای خصوصیت و تنقیح مناط شده و بر امام علی(ع) تطبیق شده است؛ بنابراین تأویل ذکر شده در این روایات از نوع بیان مصداق آیه در گذر زمان (جری و تطبیق) به شمار می رود. در ادامه به نقل این روایات می پردازیم.

یک: امام رضا(ع) در مرو در مجلس مأمون حاضر شد. در مجلس او جمعی از دانشمندان عراق و خراسان نیز بودند ... مأمون عرض کرد: آیا عترت را بر دیگران فضلی است؟ حضرت فرمود: خدا فضل عترت را بر دیگران در کتاب محکمش آشکار ساخته است؛ آن جا که می فرماید: خدا آدم و نوح و خاندان ابراهیم و خاندان عمران را بر جهانیان برتری داد؛ فرزندان بودند، برخی از نسل برخی دیگر پدید آمده؛ و خدا شنوا و داناست. علما گفتند: ما را آگاه کنید که آیا خدا اصطفای را در خود قرآن تفسیر کرده است؟ امام(ع) فرمود: «خداوند تفسیر ظاهری اصطفای را جدای از تفسیر باطنی آن، در دوازده جای قرآن بیان کرده است ... اما مورد چهارم این که: «فَاِخْرَاجُهُ (ص) النَّاسَ مِنْ مَسْجِدِهِ مَا خِلاَ الْعِترَةَ حَتَّى تَكَلَّمَ النَّاسُ فِي ذَلِكِ وَ تَكَلَّمَ الْعَبَّاسُ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ (ص) تَرَكْتَ عَلِيًّا وَ اَخْرَجْتَنَا فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) مَا اَنَا تَرَكْتُهُ وَ اَخْرَجْتُمْ وَ لَكِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ تَرَكَهُ وَ اَخْرَجَكُمْ وَ فِي هَذَا تَبْيَانُ قَوْلِهِ لِعَلِي (ع) اَنْتَ مِنْنِي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ (ع) مِنْ مُوسَى (ع) قَالَتِ الْعُلَمَاءُ وَ اَيْنَ هَذَا مِنْ الْقُرْآنِ قَالَ أَبُو الْحَسَنِ (ع) اَوْجِدْكُمْ فِي ذَلِكِ قُرْآنًا اَقْرَأَهُ عَلَيْكُمْ قَالُوا هَاتِ قَالَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ اَوْحَيْنَا اِلَى مُوسَى وَ اَخِيهِ اَنْ تَبُوءَا لِقَوْمِكُمَا بِمِصْرَ بِيُوتَا وَ اجْعَلُوا بِيُوتَكُمْ قِبْلَةً (يونس: ۸۷) فِي هَذِهِ الْآيَةِ مَنْزِلَةُ هَارُونَ (ع) مِنْ مُوسَى (ع) وَ فِيهَا اَيْضاً مَنْزِلَةُ عَلِي (ع) مِنْ رَسُولِ اللَّهِ (ص): پیامبر(ص) به امر خداوند همه مردم را از مسجد بیرون کرد جز عترت را؛ تا مردم در این باره به سخن آمدند و عباس به پیغمبر(ص) عرض کرد: «ای رسول خدا! علی(ع) را گذاشتی و ما را بیرون کردی»؟ فرمود: «من او را نگذاشتم و شما را بیرون نکردم، بلکه خدا او را گذاشت و شما را بیرون کرد»؛ و در این جاست شرح گفتار پیامبر(ص) که ای علی! تو نسبت به من چون هارون نسبت به موسی هستی». علما گفتند: «این تناسب در کجای قرآن است»؟ فرمود: «از قرآن برای شما آیه آن را می خوانم. گفتند: «بفرما». فرمود کلام خدای عزوجل: «وَ اَوْحَيْنَا اِلَى مُوسَى وَ اَخِيهِ اَنْ تَبُوءَا لِقَوْمِكُمَا بِمِصْرَ بِيُوتَا وَ اجْعَلُوا بِيُوتَكُمْ قِبْلَةً» (یونس: ۸۷) در این آیه، مقام هارون(ع) نسبت به موسی(ع) مندرج است و همچنین در آن، مقام علی(ع) نسبت به رسول خدا(ص) بیان شده است.» (صدوق، ۱۳۷۸: ج ۱، ص ۲۳۲)

انواع روایات تأویلی سوره یونس درباره امام علی(ع): قهاری کرمانی | ۱۵۳

دو: از رسول خدا(ص) روایت شده که فرمود: «إِنَّ رَجَالًا لَا يَجِدُونَ فِي أَنْفُسِهِمْ أَنْ أُسْكِنَ عَلِيًّا فِي الْمَسْجِدِ وَ أُخْرِجَهُمْ وَاللَّهِ مَا أَخْرَجَهُمْ وَ أَسْكَنْتُهُ إِنْ أَلَّهِ عَزَّوَجَلَّ أَوْحَى إِلَيَّ مُوسَى(ع) وَ أَخِيهِ أَنْ تَبَوَّءَا لِقَوْمِكُمَا بِمِصْرَ بَيْوتًا وَ اجْعَلُوا بَيْوتَكُمْ قِبْلَةً وَ اقِيمُوا الصَّلَاةَ ثُمَّ أَمَرَ مُوسَى(ع) أَنْ لَا يَسْكُنَ مَسْجِدَهُ وَ لَا يَنْكِحَ فِيهِ وَ لَا يَدْخُلَهُ جُنُبٌ إِلَّا هَارُونَ(ع) وَ ذُرِّيَّتُهُ وَ إِنْ عَلِيًّا(ع) مِنْنِي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى وَ هُوَ أَحَبُّ دُونَ أَهْلِي وَ لَا يَحِلُّ لِأَحَدٍ أَنْ يَنْكِحَ فِيهِ النِّسَاءَ إِلَّا عَلِيٌّ وَ ذُرِّيَّتُهُ فَمَنْ شَاءَ فَهَاهُنَا وَ أَشَارَ بِيَدِهِ نَحْوَ الشَّامِ: مردانی که نفسشان راضی نیست از اینکه من علی(ع) را در مسجد ساکن نموده و آن‌ها را اخراج کرده‌ام، بدانند به خدا سوگند! من آن‌ها را از مسجد بیرون نکرده و علی(ع) را ساکن ننموده‌ام؛ بلکه خداوند عزوجل به موسی(ع) و برادرش هارون(ع) وحی فرمود که برای قومشان در شهر خانه‌هایی بسازند و این خانه‌ها را قبله قرار داده و نماز بخوانند. سپس به موسی(ع) امر فرمود که کسی در مسجدش ساکن نشده، در آن نکاح نکرده و جُنُب در آن داخل نشود، مگر هارون(ع) و فرزندان او؛ و آگاه باشید که علی(ع) نسبت به من به منزله هارون(ع) نسبت به موسی(ع) است؛ او علاوه بر آنکه از اهل بیت من است، برادر من نیز هست. جایز نیست احدی در مسجد من نکاح کند، مگر علی(ع) و ذریه‌ی او. حال بدانید هر کس که از این بدش آمده، به آنجا برود! و پیامبر(ص) با دست به طرف شام اشاره فرمود.» (اربلی، ۱۳۸۱: ج ۱، ص ۳۳۱)

۳-۴- مصداق اتم اطلاق آیه

در روایات تفسیری سوره یونس از این گونه تأویل در مورد امام علی(ع) وجود دارد که به نقل آنها می‌پردازیم.

یک: از علی بن ابراهیم قمی درباره آیه: «رَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ اطْمَأْنَنُوا بِهَا وَ الَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ» (یونس: ۷) چنین روایت شده است: «الایاتُ امیر المؤمنین(ع) وَ الأئمه(ع) وَ الدَّلِيلُ عَلَيَّ ذَلِكَ قَوْلُ امیر المؤمنین(ع) مَا لِلَّهِ آيَةٌ أَكْبَرُ مِنِّي: مراد از آیات، امیر المؤمنین(ع) و امامان(ع) هستند و دلیل آن هم این سخن امیر المؤمنین(ع) است که فرمود: «پروردگار، آیه‌ای بزرگ‌تر از من ندارد!» (قمی، ۱۳۶۳: ج ۱، ص ۳۰۹)

انواع روایات تاویلی سوره یونس درباره امام علی(ع): فهاری کرمانی | ۱۵۵

ورزید و با من مخالفت نمایند، رستگار نخواهید شد. خداوند متعال فرموده است: «أَفَمَنْ يُهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمَّنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَىٰ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ» (ابن طاووس، ۱۳۷۵: ص ۲۶۸)

پنج: در دوران خلافت عثمان، بین مسلمانان گفتگویی برقرار بود که طلحه بن عبدالله خطاب به امام علی(ع) گفت: تو در جواب ابوبکر که حدیثی از پیامبر(ص) نقل می کرد که خداوند در خاندان پیامبر(ص) نبوت و خلافت را جمع نکرد، چه می گویی؟ حضرت فرمود: «قَوْلُ رَسُولِ اللَّهِ (ص) أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَىٰ غَيْرِ النَّبِيِّ، فَلَوْ كَانَ مَعَ النَّبِيِّ غَيْرَهَا لَأَسْتَنَاهُ رَسُولُ اللَّهِ (ص)، وَقَوْلُهُ إِنِّي قَدْ تَرَكْتُ فِيكُمْ أَمْرَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَعَتْرَتِي لَنْ تَضِلُّوا مَا تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَأَتَّقِدْمُوهُمْ وَلَا تَخَلَّفُوا عَنْهُمْ، وَلَا تَعْلَمُوهُمْ فَإِنَّهُمْ أَعْلَمُ مِنْكُمْ، أَفَيَنْبَغِي أَنْ يَكُونَ الْخَلِيفَةُ عَلَى الْأُمَّةِ إِلَّا أَعْلَمُهُمْ بِكِتَابِ اللَّهِ وَسُنَّةِ نَبِيِّهِ (ص)، وَقَدْ قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمَّنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَىٰ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ: گواه من این فرمایش پیامبر(ص) است که فرمود: جایگاه تو در نزد من همچون منزلت هارون(ع) است نزد موسی(ع)، به جز در نبوت؛ و چنانچه استثنایی غیر از نبوت بود، پیامبر(ص) فرموده بود؛ و نیز این فرمایش که من در میان شما دو چیز به ودیعه می گذارم، کتاب خدا و عترت خودم که اهل بیت من اند، پس اگر شما دست تمسک به آن دو زیند دچار ضلالت و گمراهی نگردید، هیچ کس را بر آنان مقدم ندارید و از ایشان جا نمانید و تخلف ننمایید، چیزی را به ایشان تعلیم ندهید، زیرا ایشان از شما داناترند؛ آیا شایسته نیست که خلیفه ای امت، داناترین ایشان به قرآن و سنت باشد، همچنان که خداوند فرموده: «أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمَّنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَىٰ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ» (یونس: ۳۵) [با این اوصاف آیا می تواند حدیثی که می گوید خلافت و نبوت در یک خاندان جمع نمی شود، درست باشد؟!» (هلالی، ۱۴۰۵: ص ۶۵۱)

شش: از امام علی(ع) روایت شده که فرمود: «كُنْتُ فَرِيضَةً مِنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَمِنْ رَسُولِهِ مِثْلَ الْحَجِّ وَالزَّكَاةِ وَالصَّوْمِ وَالصَّلَاةِ، فَهَلْ يُقَامُ بِهِذِهِ الْحُدُودِ [هَذِهِ الْحُدُودُ] إِلَّا بِعَالِمٍ قَائِمٍ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ وَهُوَ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ وَلَقَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ قُلْ هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَنْ يَهْدِي

إِلَى الْحَقِّ قُلِ اللَّهُ يَهْدِي لِلْحَقِّ أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ مَنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يَهْدِي فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ فَأَنَا رَحِمَتُ اللَّهِ فَرِيضَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولُهُ عَلَيْكُمْ، بَلْ أَفْضَلُ الْفَرَاغِضِ وَأَعْلَاهَا، وَاجْمَعُهَا لِلْحَقِّ، وَاحْكُمُهَا لِدَعَائِمِ الْإِيمَانِ، وَشَرَائِعِ الْإِسْلَامِ، وَمَا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ الْخَلْقُ لِصَلَاحِهِمْ وَلِفَسَادِهِمْ وَ لِأَمْرِ دُنْيَاهُمْ وَ آخِرَتِهِمْ: من همچون حج، زکات، روزه و نماز، واجبی از جانب خدای عزوجل و پیامبرش است. آیا این واجبات الهی جز با هدایت عالمی هدایتگر به سوی حق که سزاوار پیروی است اقامه می‌گردند؟! خداوند سبحان چنین فرموده: «قُلْ هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ قُلِ اللَّهُ يَهْدِي لِلْحَقِّ أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ مَنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يَهْدِي فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ» خداوند شما را پیامرزد! من از جانب خدا و رسولش واجبی بر گردن شما هستم. بلکه من برترین و بالاترین واجبات و جامع‌ترین آنها نسبت به حق و محکم‌ترین واجباتها برای [حفظ] پایه‌های ایمان و شریعت اسلام و حفظ هرآنچه که مردم در صلاح، فساد، امر دنیا و آخرتشان به آن محتاج‌اند، می‌باشم.» (دیلمی، ۱۴۱۲: ج ۲، ص ۳۱۳)

هفت: از امام صادق(ع) روایت شده که فرمود: «بعد از رحلت رسول خدا(ص) و رسیدن خلافت به ابوبکر، مردی را آوردند که شرب خمر کرده بود. ابوبکر به او گفت: «آیا شراب نوشیده‌ای؟» مرد گفت: «آری!» ابوبکر پرسید: «تو که می‌دانی نوشیدن شراب، حرام است؛ پس چرا نوشیدی؟» آن مرد گفت: «من درحالی مسلمان شدم که خانه‌ام در کنار خانه‌های مردمی بود که شراب می‌نوشیدند و آن را حلال می‌دانستند و اگر می‌دانستم خوردن آن حرام است، حتماً از آن دوری می‌کردم.» ابوبکر رو به سوی عمر کرد و گفت: «ای اباحفص! راجع به این مرد، چه حکمی می‌دهی؟» عمر گفت: «موضوع پیچیده‌ای است اما ابالحسن، علی(ع) از عهده‌ی آن بر می‌آید.» ابوبکر کسی را صدا زد و گفت: «ای پسر! برو و علی(ع) را به اینجا دعوت کن.» عمر گفت: «نه. برای شنیدن قضاوت، باید به در خانه‌ی قاضی رفت.» پس آن مرد شراب‌خوار را درحالی که سلمان فارسی آنان را همراهی می‌کرد، به خانه‌ی علی(ع) آوردند و داستان آن مرد را برای او بیان کردند و آن مرد نیز ماجرای خود را برای علی(ع) بازگو کرد. علی(ع) به ابوبکر فرمود: «ابْعَثْ مَعَهُ مَنْ يَدُورُ بِهِ

انواع روایات تاویلی سوره یونس درباره امام علی(ع): فهاری کرمانی | ۱۵۷

عَلَى مَجَالِسِ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ فَمَنْ كَانَ تَلَا عَلَيْهِ آيَةَ التَّحْرِيمِ فَلْيَشْهَدْ عَلَيْهِ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ تَلَا عَلَيْهِ آيَةَ التَّحْرِيمِ فَلَا شَيْءَ عَلَيْهِ فَفَعَلَ أَبُو بَكْرٍ بِالرَّجُلِ مَا قَالَ عَلِيُّ (ع) فَلَمْ يَشْهَدْ عَلَيْهِ أَحَدٌ فَخَلَّى سَبِيلَهُ فَقَالَ سَلْمَانُ لِعَلِيِّ (ع) لَقَدْ أُرْسِدْتَهُمْ فَقَالَ عَلِيُّ (ع) إِنَّمَا أَرَدْتُ أَنْ أُجَدِّدَ تَأْكِيدَ هَذِهِ الْآيَةِ فِيَّ وَفِيهِمْ أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ مَنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَى فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ: او را همراه با کسی به محلّ تجمع و نشست های مهاجران و انصار بفرست. پس اگر کسی آیه ی تحریم را بر او خوانده باشد، باید بیاید و علیه این مرد شهادت دهد. ولی اگر آیه ی تحریم بر او خوانده نشده باشد، او گناهی ندارد. ابوبکر همین خواسته و گفته ی علی(ع) را انجام داد و کسی علیه آن مرد، شهادت نداد. پس ابوبکر او را آزاد ساخت. سلمان فارسی به علی(ع) عرض کرد: «راهنمایی شان کردی». علی(ع) فرمود: «من فقط خواستم مضمون این آیه را در مورد خودم و آنان، تأکید کنم: «أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ مَنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَى فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ» (یونس: ۳۵)» (کلینی، ۱۴۲۹: ج ۱۴، ص ۲۱۶)

هشت: روزی عمر گفت: «نمی دانم با مجوس چه کنم؟ عبد الله بن عباس کجاست؟» [در جواب] گفتند: «او همین جاست». عمر به او گفت: «آیا از علی(ع) چیزی در مورد مجوس شنیده ای؟ اگر نشنیده ای از او در این باره سؤال کن». ابن عباس نزد علی(ع) رفته و از ایشان در مورد مجوس سؤال نمود. حضرت فرمود: «أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ مَنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَى فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ» (یونس: ۳۵) آن گاه نظر خود را به او بیان فرمود. (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ج ۲، ص ۳۶۸)

نه: از امام علی(ع) روایت شده که فرمود: «قَالَ (الله تعالی) فِي الَّذِينَ اسْتَوَلُوا عَلَي تَرَاثِ رَسُولِ اللَّهِ بِغَيْرِ حَقٍّ مِنْ بَعْدِ وَفَاتِهِ: أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ مَنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَى فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ فَلَوْ جَازَ لِلْأُمَّةِ الْإِيْتِمَامَ بِمَنْ لَا يَعْلَمُ أَوْ بِمَنْ يَجْهَلُ كَمْ يَقُولُ اِبْرَاهِيمَ (ع) لِأَبِيهِ لِمَ تَعْبُدُ مَا لَا يَسْمَعُ وَلَا يُبْصِرُ وَلَا يُغْنِي عَنْكَ شَيْئًا: خداوند در مورد کسانی که بعد از رحلت رسول خدا(ص) به ناحق بر میراث ایشان تسلط یافتند، فرمود: «أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ مَنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَى فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ» (یونس: ۳۵) اگر

برای اَمّت اسلامی اقتدا کردن به کسی که نمی‌داند یا کسی که جاهل است جایز بود، ابراهیم(ع) به پدرش نمی‌فرمود: چرا چیزی را می‌پرستی که نه می‌شنود و نه می‌بیند و نه هیچ مشکلی را از تو حلّ می‌کند.» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۹۰، ص ۵۶)

ده: از حضرت زهرا (س) روایت شده که فرمود: «فَقَدْ أَعْجَبَكِ الْحَادِثُ إِلَيَّ أَيُّ سِنَادٍ اسْتَدُّوا وَبِأَيِّ عُرْوَةٍ تَمَسَّكُوا اسْتَبَدُّوا الذَّنَابِي وَاللَّهِ بِالْقَوَادِمِ وَالْعَجْزَ بِالْكَاهِلِ فَرَعْمًا لِمَعَاطِسِ قَوْمٍ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا، أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُونَ وَ لَكِنَّ لَا يَشْعُرُونَ، أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَيَّ الْحَقُّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمَّنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَى فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ: اگر از چیزی تعجب می‌کنی از سخنان آنان (مخالفان علی(ع)) تعجب کن! کاش من می‌دانستم که ایشان به چه سندی استناد نمودند؟! به چه تکیه‌گاهی اعتماد کردند؟! به چه دستگیره‌ای چنگ زدند؟! به خدا قسم! آنان سر را رها کرده‌اند و دُم را چسبیده‌اند! ستون محکم بین دو کتف را رها کرده و چیز سست را گرفته‌اند؛ سوخته باد دماغ گروهی که کوشششان در زندگی دنیا تباه شد و می‌پنداشتند کاری نیکو می‌کنند؛ آگاه باشید! این‌ها همان مفسدان‌اند، ولی نمی‌فهمند؛ «أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَيَّ الْحَقُّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمَّنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَى فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ» (یونس: ۳۵)» (طوسی، ۱۴۱۴: ص ۳۷۴)

یازده: امام علی(ع) آیه: «أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (یونس: ۶۲) را تلاوت کرد و سپس پرسید: «آیا می‌دانید اولیاء الله چه کسانی هستند؟ جواب دادند: «ای امیرمؤمنان! چه کسانی هستند؟» حضرت فرمود: «هُمْ نَحْنُ وَ أَتْبَاعُنَا؛ فَمَنْ تَبِعَنَا مِنْ بَعْدِنَا طُوبَى لَنَا وَ طُوبَى لَهُمْ أَفْضَلُ مِنْ طُوبَى لَنَا؛ قَالَ يَا امِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (ع) مَا شَأْنُ طُوبَى لَهُمْ أَفْضَلُ مِنْ طُوبَى لَنَا أَلَسْنَا نَحْنُ وَ هُمْ عَلَيَّ أَمْرٍ قَالَ لَا لِأَنَّهُمْ حَمَلُوا مَا لَمْ تَحْمَلُوا عَلَيْهِ وَ أَطَاقُوا مَا لَمْ تُطِيقُوا: آنان، ما هستیم و کسانی که از ما پیروی کنند؛ پس خوشا به حال ما و خوشا به سعادت آنان که از ما پیروی کنند؛ البتّه بیشتر برای آنان مایه‌ی خشنودی و سعادت است. فردی پرسید: ای امیرمؤمنان! منظور شما از این‌که بیشتر برای آنان مایه‌ی خشنودی و سعادت است، چیست؟ مگر ما و آنان هم عقیده نیستیم؟ فرمود: نه! آن‌ها چیزهایی را تحمل می‌کنند که شما تحمل نکردید و چنان بردباری می‌نمایند که شما نکردید.» (عیاشی،

(۱۳۸۰: ج ۲، ص: ۱۲۴)

در اینکه منظور از اولیای خدا در آیه مورد بحث چه کسانی هستند؟ در آیه بعد مطلب را روشن ساخته و می‌فرماید: آنها کسانی هستند که ایمان آورده‌اند و به طور مداوم تقوا و پرهیزکاری را پیشه خود ساخته‌اند؛ (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ج ۸، ص ۳۳۶) ولی در روایت فوق به امام علی(ع)، سایر ائمه(ع) و شیعیان تأویل شده است؛ لذا تأویل در این روایت از نوع بیان مصداق اتمّ اطلاق آیه به‌شمار می‌رود.

دوازده: از امام صادق(ع) روایت شده که فرمود: «لَنْ تَمُوتَ نَفْسٌ مُؤْمِنَةٌ أَبَدًا حَتَّى تَرَاهُمَا حَتَّى تَرَى رَسُولَ اللَّهِ (ص) وَ عَلِيَّ (ع) قُلْتُ فَإِذَا نَظَرَ إِلَيْهِمَا الْمُؤْمِنُ أُيْرَجُ إِلَى الدُّنْيَا فَقَالَ لَا يَمُضِي أَمَامَهُ إِذَا نَظَرَ إِلَيْهِمَا مَضَى أَمَامَهُ فَقُلْتُ لَهُ يَقُولَانِ شَيْئًا قَالَ نَعَمْ يَدْخُلَانِ جَمِيعًا عَلَى الْمُؤْمِنِ فَيَجْلِسُ رَسُولُ اللَّهِ (ص) عِنْدَ رَأْسِهِ وَ عَلِيَّ (ع) عِنْدَ رِجْلَيْهِ فَيُكَبُّ عَلَيْهِ رَسُولُ اللَّهِ (ص) فَيَقُولُ يَا وَلِيَّ اللَّهِ أَبَشِّرُ أَنَا رَسُولُ اللَّهِ (ص) إِنِّي خَيْرٌ لَكَ مِمَّا تَرَكْتَ مِنَ الدُّنْيَا ثُمَّ يَنْهَضُ رَسُولُ اللَّهِ (ص) فَيَقُومُ عَلِيَّ (ع) حَتَّى يُكَبُّ عَلَيْهِ فَيَقُولُ يَا وَلِيَّ اللَّهِ أَبَشِّرُ أَنَا عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (ع) الَّذِي كُنْتُ تُجِبُهُ أَمَا لَأَنْفَعَنَّكَ ثُمَّ قَالَ إِنَّ هَذَا فِي كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ قُلْتُ أَيْنَ جَعَلَنِي اللَّهُ فِدَاكَ هَذَا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ قَالَ فِي يُونُسَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ هَاهُنَا الَّذِينَ آمَنُوا وَ كَانُوا يَتَّقُونَ؛ لَهُمُ الْبُشْرَى فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ فِي الْآخِرَةِ لَا تَبْدِيلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ؛ هیچ انسان مؤمنی نمیرد مگر این که رسول خدا(ص) و علی(ع) را مشاهده می‌کند. راوی عرض کرد: «آیا هنگامی که مؤمن آنها را مشاهده می‌کند باز به دنیا بازمی‌گردد؟» فرمود: «نه در آن هنگام جز حرکت به سوی آخرت راهی ندارد». عرض کرد: «آیا پیامبر(ص) و علی(ع) با او سخنی هم می‌گویند؟» فرمود: «آری! هر دو بر مؤمن وارد می‌شوند و رسول خدا(ص) کنار سر او و علی(ع) کنار پاهای او می‌نشینند و رسول خدا(ص) خود را بر او افکنده و می‌فرماید: «ای ولی خدا! بشارت بر تو که من رسول خدایم و از هر آنچه در دنیا باقی گذاشتی برای تو بهترم». آنگاه رسول خدا(ص) برخاسته و علی(ع) می‌ایستد و سپس خود را بر مؤمن افکنده و می‌فرماید: «ای ولی خدا! بشارت بر تو که من علی بن ابی طالب(ع) هستم که دوستدار او بودی. بدان امروز به سود تو

خواهم بود». آن‌گاه امام‌صادق(ع) فرمود: «این مطلب در قرآن بیان شده است.» راوی عرض کرد: «فدایت شوم! این مطلب در کجای قرآن بیان شده است؟» فرمود: «در سوره یونس آن‌جا که می‌فرماید: «الَّذِينَ آمَنُوا وَ كَانُوا يَتَّقُونَ لَهُمُ الْبُشْرَىٰ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ فِي الْآخِرَةِ لَا تَبْدِيلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ ذَلِكُمْ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» (یونس: ۶۳-۶۴)» (برقی، ۱۳۷۱: ج ۱، ص ۱۷۵)

واژه «البُشْرَى» در آیه ۶۴ یونس، مطلق است و هرنوع بشارتی را شامل می‌شود، ولی در روایت فوق به مشاهده پیامبر(ص) و امام‌علی(ع) تأویل شده است؛ لذا تأویل در این روایت از نوع بیان مصداق اتم اطلاق آیه به‌شمار می‌رود.

سیزده: از امام‌صادق(ع) روایت شده که فرمود: «إِنَّ الرَّجُلَ الْمُؤْمِنَ إِذَا صَارَتْ نَفْسُهُ عِنْدَ صَدْرِهِ وَقَتَ مَوْتِهِ رَأَى رَسُولَ اللَّهِ يَقُولُ أُبَشِّرُ أَنَا رَسُولَ اللَّهِ (ص) نَبِيَّكَ وَ رَأَى عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ (ع) يَقُولُ أَنَا الَّذِي كُنْتَ تُحِبُّنِي أَنَا أَنْفَعُكَ فَقُلْتُ يَا مَوْلَايَ مَنْ يَرَى هَذَا يَرْجِعُ إِلَى الدُّنْيَا قَالَ إِذَا رَأَى هَذَا مَاتَ وَقَالَ وَ ذَلِكُمْ فِي الْقُرْآنِ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى الَّذِينَ آمَنُوا وَ كَانُوا يَتَّقُونَ؛ لَهُمُ الْبُشْرَى فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ فِي الْآخِرَةِ لَا تَبْدِيلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ ذَلِكُمْ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ قَالَ يُبَشِّرُهُمْ بِمَحَبَّتِهِ إِيَّاهُ وَ بِالْجَنَّةِ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ هِيَ بَشَارَةٌ إِذَا رَأَاهَا أَمِنَ مِنَ الْخَوْفِ: زمانی که آخرین نفس، در سینه‌ی مؤمن حبس شود، رسول‌خدا(ص) را می‌بیند که می‌فرماید: «بشارت باد بر تو که من رسول‌خدا(ص) و پیامبر تو هستم!» و علی‌بن‌ابی‌طالب(ع) را می‌بیند که می‌فرماید: «من کسی هستم که دوستش می‌داشتی و امروز به سود تو خواهم بود.» راوی عرض کرد: «مولای من! کسی که این صحنه را ببیند به دنیا برمی‌گردد؟» فرمود: «هنگامی که این صحنه را ببیند خواهد مُرد»؛ و فرمود: «این مطلب در این آیه از قرآن آمده که می‌فرماید: «الَّذِينَ آمَنُوا وَ كَانُوا يَتَّقُونَ، لَهُمُ الْبُشْرَى فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ فِي الْآخِرَةِ لَا تَبْدِيلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ ذَلِكُمْ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» (یونس: ۶۳-۶۴) سپس فرمود: خداوند آن‌ها را در دنیا و آخرت به دوست داشتن ایشان و به بهشت بشارت دهد؛ و این بشارتی است که وقتی مؤمن آن را ببیند از ترس، ایمنی یابد.» (مجلسی، ۱۴۰۳:

انواع روایات تأویلی سوره یونس درباره امام علی(ع): فهاری کرمانی | ۱۶۱

واژه «الْبُشْرَى» در آیه ۶۴ یونس، مطلق است و هر نوع بشارتی را شامل می‌شود، ولی در روایت فوق به دوست داشتن پیامبر(ص) و امام علی(ع) تأویل شده است؛ لذا تأویل در این روایت از نوع بیان مصداق اتمّ اطلاق آیه به‌شمار می‌رود.

نتیجه‌گیری

از مجموع ۳۱ روایت تأویلی سوره یونس درباره امام علی(ع) این نتیجه حاصل شد که در این روایات، از مجموع شش نوع تأویل قرآن، چهارنوع آن وجود دارد که عبارت‌اند از: معنای باطنی آیه (۱۴ روایت)، مصداق باطنی آیه (۲ روایت)، مصداق آیه در گذر زمان (۲ روایت)، مصداق اتمّ اطلاق آیه (۱۳ روایت). همچنین در روایات یادشده، دونوع دیگر تأویل قرآن یعنی تحقق مفاد آیه و تأویل آیه متشابه، مشاهده نشد. اهمّ معانی باطنی مطرح‌شده در روایات عبارت‌اند از: ولایت امیرمؤمنان(ع)، تغییردادن امام علی(ع) از جانشینی پیامبر(ص)، ایمان به امیرمؤمنان(ع) و اقتداکردن به امام علی(ع). همچنین مهم‌ترین مصادیق اتمّ اطلاق آیات عبارت‌اند از: امیرمؤمنان(ع) و غاصبان حق او.

ORCID

Mohammad Hadi
Ghahari Kermani



<http://orcid.org/0000-0003-0819-5538>

منابع

قرآن کریم

ابن اثیر، مبارک بن محمد. (۱۳۶۷). *النهایه فی غریب الحدیث والاثیر*، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.

ابن شهر آشوب، محمد بن علی. (۱۳۷۹ ق.). *مناقب آل ابی طالب (ع)*، قم، انتشارات علامه.

ابن طاووس، علی بن موسی. (۱۳۷۵). *کشف المحجّه لثمره المهجّه*، قم، بوستان کتاب.

ابن فارس، احمد. (۱۴۱۰ ق.). *معجم مقاییس اللغه*، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.

ابن منظور، محمد. (۱۴۰۸ ق.). *لسان العرب*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

اربلی، علی بن عیسی. (۱۳۸۱ ق.). *کشف الغمه فی معرفه الأئمه*، تبریز.

ازهری، محمد بن احمد. (بی تا). *معجم تهذیب اللغه*، بیروت، دارالکتب العربی.

اسعدی، محمد و طیب حسینی، سید محمود. (۱۳۹۰). *پژوهشی در محکم و متشابه*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

بحرانی، سید هاشم بن سلیمان. (۱۴۱۵ ق.). *البرهان فی تفسیر القرآن*، قم، مؤسسه بعثه.

برقی، احمد بن محمد بن خالد. (۱۳۷۱ ق.). *المحاسن*، قم، دار الکتب الإسلامیه.

جوهری، اسماعیل بن حماد. (۱۴۲۸ ق.). *الصحاح اللغه*، بیروت، دارالمعرفه.

دیلمی، حسن بن محمد. (۱۴۱۲ ق.). *إرشاد القلوب إلی الصواب*، قم، الشریف الرضی.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۰۴ ق.). *المفردات*، قم، نشر کتاب.

شاکر، محمد کاظم. (۱۳۷۶). *روش های تأویل قرآن*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.

_____ (۱۳۸۲). *مبانی و روش های تفسیر*، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی.

صدوق، محمد بن علی. (۱۳۷۶). *الأمالی*، تهران، کتابچی.

_____ (۱۳۹۸ ق.). *التوحید*، قم، جامعه مدرسین.

_____ (۱۳۷۸ ق.). *عیون أخبار الرضا (ع)*، تهران، نشر جهان.

_____ (۱۳۹۵ ق.). *کمال الدین و تمام النعمه*، تهران، اسلامیه.

صفار، محمد بن حسن. (۱۴۰۴ ق.). *بصائر الدرجات*، قم، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.

طباطبائی، محمد حسین. (۱۳۹۰ ق.). *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.

طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، ناصر خسرو.

انواع روايات تأويلي سورة يونس دربارہ امام علی(ع): فقہاری کرمانی | ۱۶۳

طبری آملی، محمد بن ابی القاسم. (۱۳۸۳ ق). *بشارة المصطفى لشيعة المرتضى*، نجف، المكتبة الحيدرية.

طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۱۴ ق). *الأمالی*، قم، دار الثقافة.

عیاشی، محمد بن مسعود. (۱۳۸۰ ق). *تفسیر العیاشی*، تهران، مکتبہ العلمیة الاسلامیة.

فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۱۴ ق). *ترتیب کتاب العین*، تهران، اسوه.

فیروز آبادی، مجدالدین. (بی تا). *بصائر ذوی التمییز فی لطائف الكتاب العزیز*، بیروت، المکتبہ العلمیہ.

قمی، علی بن ابراهیم. (۱۳۶۳). *تفسیر القمی*، قم، دارالکتاب.

کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۲۹ ق). *الکافی*، قم، دارالحديث.

کوفی، فرات بن ابراهیم. (۱۴۱۰ ق). *تفسیر فرات الکوفی*، تهران، مؤسسۀ الطبع و وزارة الثقافة والإرشاد الإسلامي.

مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی. (۱۴۰۳ ق). *بحار الأنوار*، بیروت، دار إحياء التراث العربي،.

معرفت، محمد هادی. (۱۳۸۸). *علوم قرآنی*، قم: انتشارات تمهید.

مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۱). *تفسیر نمونه*، تهران، دار الکتب الإسلامیة.

هلالی، سلیم بن قیس. (۱۴۰۵ ق). *کتاب سلیم بن قیس الهلالی*، قم، الهادی.

References

The Holy Quran

Ayashi, Mohammad Bin Massoud. (1960). *Tafsir Al-Ayashi*, Tehran, Islamic Scientific School.

Azhari, Mohammad bin Ahmad. (Bita). *Tahzib al-Lagheh encyclopedia*, Beirut, Dar al-Kitab al-Arabi. [in Arabic]

Asadi, Mohammad and Tayeb Hosseini, Seyyed Mahmoud. (2011). *A research in Mochab and Mutsabah*, Qom, Hozah Research Institute and University.

Bahrani, Seyyed Hashem bin Suleiman. (1994). *Al-Barhan in Tafsir al-Qur'an*, Qom, Ba'ath Institute.

Barqi, Ahmad bin Mohammad bin Khaled. (1992). *Al-Mahasen*, Qom, Dar al-Kutub al-Islamiya.

Erbali, Ali Bin Eisa. (2002). *Discovering Al-Ghamma in the Knowledge of the Imams*, Tabriz.

Dailami, Hasan bin Mohammad. (1991). *Irshad al-Qulub to al-Sawab*, Qom, al-Sharif al-Radi.

- Farahidi, Khalil bin Ahmad. (1993). *Edited by Kitab al-Ain*, Tehran, Asveh.
- Firouzabadi, Majaddin. (Bita). *Basaer Dhu'il-Tamiyz fi Lataif al-Kitab al-Aziz*, Beirut, Al-Maktabeh Al-Alamiya. [in Arabic]
- Helali, Salim bin Qais. (1984). *The book of Salim bin Qais al-Hilali*, Qom, al-Hadi.
- Ibn Athir, Mubarak bin Muhammad. (1988). *Al-Nahaye Fi Gharib al-Hadith Walather*, Qom, Ismailian Press Institute.
- Ibn Shahr Ashub, Muhammad Bin Ali. (2000). *Manaqib al-Abi Talib (a.s.)*, Qom, Allameh Publications.
- Ibn Tawoos, Ali Ibn Musa. (1996). *Kasf al-Mahjah for Thamra al-Mahjah*, Qom, Bostan Kitab.
- Ibn Fars, Ahmad. (1989). *Ma'jam Maqays al-Lagheh*, Qom, School of Islamic Studies.
- Ibn Manzoor, Muhammad. (1987). *Al-Arab, Beirut*, the center of revitalization of the Arab heritage. [in Arabic]
- Johari, Ismail bin Hammad. (2007). *Al-Sahah Al-Lagheh*, Beirut, Dar al-Marifah. [in Arabic]
- Kelini, Mohammad bin Yaqub. (2008). *Kafi*, Qom, Dar al-Hadith.
- Kofi, Firat bin Ibrahim. (1989). *Tafsir of Firat al-Kufi*, Tehran, Ministry of Culture and Islamic Education.
- Majlesi, Mohammad Bakharbin Mohammad Taqi. (1982), *Bihar al-Anwar, Beirut*, Dar Ihya al-Trath al-Arabi. [in Arabic]
- Marefat, Mohammad Hadi. (2009). *Qur'anic Sciences*, Qom: Tahmhid Publications. [in Persian]
- Makarem Shirazi, Nasser. (1992). *Sample interpretation*, Tehran, Islamic Books. [in Persian]
- Qomi, Ali Ibn Ebrahim. (1984). *Tafsir al-Qami*, Qom, Dar al-Kitab.
- Ragheb Esfahani, Hossein bin Mohammad. (1983). *Al-Mufardat*, Qom, Publishing House.
- Shakir, Mohammad Kazem. (1997). *Methods of Qur'an Interpretation*, Qom, Islamic Propaganda Office of the Seminary. [in Persian]
- _____. (2003). *Basis and methods of interpretation*, Qom, World Center of Islamic Sciences.
- Sadouq, Muhammad bin Ali. (1997). *Amali*, Tehran, Ketabchi.
- _____. (1977). *Al-Tawhid*, Qom, Modaresin community.
- _____. (1958). *Eyes of Akhbar al-Reza (AS)*, Tehran, Nashr-e Jahan.
- _____. (1975). *Kamal al-Din and Tammam al-Neema*, Tehran, Islamia.
- Safar, Mohammad bin Hasan. (1983). *Basair al-Deraj*, Qom, the school of Ayatollah al-Marashi al-Najafi.

انواع روایات تأویلی سوره یونس درباره امام علی(ع): قهاری کرمانی | ۱۶۵

- Tabatabai, Mohammad Hossein. (1970). *Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an*, Beirut, Al-Alami Foundation for Press.
- Tabarsi, Fazl bin Hasan. (1993). *Jamal al-Bayan in Tafsir al-Qur'an*, Tehran, Nasser Khosrow.
- Tabari Amoli, Mohammad bin Abi al-Qasim. (1963). *Basharat al-Mustafa by Shia al-Mortaza*, Najaf, al-Maqabah al-Haydriya.
- Tusi, Mohammad bin Hasan. (1993). *Amali*, Qom, Dar al-Taqqafa.

استناد به این مقاله: قهاری کرمانی، محمدهادی. (۱۳۹۹). انواع روایات تأویلی سوره یونس درباره امام علی(ع)، فصلنامه علمی سراج منیر، ۱۱(۴۰)، ۱۳۳-۱۶۵.

DOI: 10.22054/ajsm.2022.58805.1680



Seraje Monir is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.

